

حروف مقطعه از دیدگاه ملاصدرا

مهدی سلطانی رنانی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

یکی از مسائلی که طی چهارده قرن اخیر، ذهن دانشمندان و پژوهشگران حوزه تاریخ و تفسیر قرآن را به خود مشغول داشته، حروف مقطعه و راز آنها در آغاز برخی از سوره قرآنی است. مفسران بزرگ قرآن کریم، هر کدام تفسیری را برای این حروف، ارائه نموده و درباره آن نظر داده‌اند که در آثارشان موجود می‌باشد، اما اکثر آنها از طرف ملاصدرا «ره» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

ملاصدرا در بررسی نظرات گوناگون، تنها دیدگاه بوعلی سینا را ترجیح می‌دهد و نظر خود را براساس مبانی حکمت متعالیه بیان می‌کند. او می‌گوید: «چون حقیقت قرآن، واحد است و مراتب زیادی دارد، پس، هر کسی از این حقیقت تشکیکی بهره‌ای خاص می‌برد؛ زیرا شرایط خاصی مانند ایمان، ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و طهارت را می‌طلبد و هر یک از این اوصاف، دارای مراتبی می‌باشد و هر کس، مرتبه‌ای از آنها را دارا می‌باشد.» اعتقاد ملاصدرا در تفسیر این حروف به گونه‌ای است که هر یک از این حروف بر مرتبه‌ای از عالم هستی دلالت می‌کند و روش توجیهی این نوع دلالت، استفاده ابزاری از نظام حروف ابجدی مشهور است تا با ترکیب نمودن به روش جمع یا ضرب بین آنها به گونه‌ای با مرتبه‌ای از عالم هستی، مناسبت و تطبیق یابد. نگارنده در این مقاله به تبیین و تفسیر کامل این حروف از منظر مفسر فرزانه و فیلسوف عالی مقام مرحوم ملاصدرا، با توجه به آثار گران سنگ وی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، حروف مقطعه، حکمت متعالیه، حروف ابجدی، نفس رحمانی، وجود تشکیکی.

مقدمه

حروف مقطعه در بین یکصد و چهارده سوره قرآن، سرآغاز بیست و نه سوره آن قرار گرفته است. این حروف از یک حرف تا پنج حرف متغیر می‌باشند و در مجموع ۷۸ حرف است که با حذف مکررات، ۱۴ حرف آن باقی می‌ماند. این حروف به گونه‌ای هستند که در کنار یکدیگر چیده شده اما کلمه‌ای را تشکیل نمی‌دهند و جدا از یکدیگر، خوانده می‌شوند.

در مورد حروف مقطعه، پرسش‌های بسیاری تاکنون مطرح بوده است، از جمله؛ هدف خداوند از نازل نمودن این حروف که بیشتر آنها در آغاز سوره‌های مکی آمده، چه بوده است؟ آیا امکان فهم معانی این حروف برای انسان وجود دارد؟ چرا با این که قرآن کریم به زبان عربی فصیح، نازل شده است و اصحاب رسول مکرم اسلام «صلی ... علیه و آله» معانی این حروف را درک کرده‌اند، در تفسیر آنها، اختلاف زیادی را مشاهده می‌کنیم؟ به هر حال، شکی نیست که خداوند از نزول این حروف، هدفی را دنبال نموده و به ناچار، نوعی دلالت بر معنا و حقیقتی را باید در برداشته باشد.

ملاصدرا به عنوان یکی از شیفتگان فهم کلام الهی در صدد دریافت معانی و حقایق این حروف، بوده است. نظر این شخصیت کم نظیر عالم اسلامی متکی بر اصول حکمت متعالیه و دربردارنده مطالب نو و پسندیده می‌باشد که تشنگان معارف قرآنی را به تأمل بیشتر و رجوع به سرچشمه‌های این نظر در آثار گران سنگ وی، دعوت می‌کند.

آن مفسر عالی قدر در بیان دیدگاه‌های مختلف مفسران در باب حروف مقطعه، از گفتار مرحوم طبرسی در کتاب شریف مجمع البیان کمک گرفته و ده نظر را بیان می‌کند و در ادامه، هر کدام از آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و اثبات می‌کند که هیچ یک از این نظرها، نمی‌تواند، عقل را آرام و دل را مطمئن گرداند^۱ در جای دیگر نیز چنین می‌گوید:

«قد اختلف كلمة المفسرين والمؤولین فی حروف التهجی الواقعة فی أوائل السور من القرآن المبین فقد ذکروا وجوهاً مذکورة فی التفاسیر المتداولة المشهورة و شیء منها لا یطمئن به القلب ولا یسکن

همراهی و همگامی ملاصدرا با بوعلی سینا در تفسیر حروف مقطعه صدر المتألهین در بین دیدگاه‌های صاحب نظران، تنها نظر بوعلی سینا را به نظر خود نزدیک و شبیه می‌داند و آن را بر دیگر آرا و نظرات ترجیح می‌دهد و خود را پیرو او می‌داند: «ان شیخ فلاسفة الاسلام ذهب في رسالة سماها بالنيروزية الى ان هذه الحروف أسماء للحقائق الذاتية بعضها لذات... تعالی مطلقاً و بعضها لذاته مضافة الى ما ابدعه و بعضها لمبدعاته مطلقة و بعضها لها مضافة على الوجه الذي سنذكرها و أقسم ... بهذه الاشياء العظيمة تكريماً و تعظيماً و نحن اخترنا مذهبه و تتبعنا أثر كلامه في هذا المرام.»^۲

جایگاه خاص حروف مقطعه در بیان ملاصدرا

بدون شک، آیات قرآن کریم دارای نظم و اسلوب کلامی مانند سایر گفتارهاست ولی حروف مقطعه را بر این سبک متداول نمی‌یابیم و در آغاز، معانی روشنی را از آنها درک نمی‌کنیم، بنابراین در این جهت، حروف مقطعه در تفهیم معنا، مانند آیات دیگر نیست. در اصل همین شرایط است که اذهان مشتاق فهم قرآن را در پی جست‌وجوی درک معنای واقعی حروف مقطعه، به تلاش و پژوهش‌های ویژه وادار نموده است؛ زیرا آن را واجد رمز و رازهای نهفته‌ای می‌دانند. مرحوم ملاصدرا برای ایجاد توجه خاص به جایگاه ارزشی این حروف، از روایات بهره می‌گیرد و در تفسیر خود به نقل آنها می‌پردازد. به عنوان نمونه:

۱. از امام علی (ع) روایت می‌کند: «ان لكل كتاب صفة و صفة هذا الكتاب حروف التهجي: هر کتاب گزیده‌ای شاخص دارد و گزیده این کتاب (قرآن) حروف مقطعه در آغاز سوره‌ها می‌باشد.»^۳

۲. در روایت دیگر چنین نقل می‌کند: «ان في كل كتاب سرّاً و سرّاً في القرآن حروف التهجي.»^۴

۳. ابو عیسی الترمذی از عبدالله بن مسعود، از پیامبر اکرم «صلى الله عليه و آله» روایت می‌کند: «من قرأ حرفاً من كتاب الله فله حسنة والحسنة بعشر أمثالها لما أقول و «الم» حرف بل

الالف حرف واللام حرف والمیم حرف.»^۷

ملاصدرا، توجه به حروف مقطعه را از عنایت‌های ربانی برای ایجاد زمینه رشد و تعالی انسان می‌داند و در این مورد چنین می‌گوید:

«فان العناية الربانية لما تعلقك بتربية الاطفال والاولاد الملكوتية أفادهم ورزقهم من تحف ذلك العالم وهدايا بالجنة في كسوة الحروف المفردة والظروف المقطعة على طريقة الرمز والاشارة لتلايطلع عليها الاغيار.»^۸

او این سخن خویش را در قالب اشعاری نغز چنین تفهیم می‌نماید:

هست قرآن چون طعامی کز سما

گشته نازل از برای اغتذا

اغتذای آدم از لوح و قلم

اغتذا یابد دواب از راه فهم

«فی السماء رزقکم» گفته خدا

رزق انسان گشته نازل از سما

روزی انسان رسد از آسمان

روزی حیوان بود از آس و نان^۹

ملاصدرا در بیان جایگاه حروف مقطعه، همچنین اظهار می‌دارد: «آشنایی با این حروف، مقدمه فهم قرآن است؛ ایها السالك المسكين، ان اول ما یرتسم فی لوح القاری المبتدی، حروف التهجی لیستعد بذلك لتلاوة الآيات المكتوبة فی الصحيفة القدسیة...»^{۱۰}

این حکیم متأله درباره موضوع مذکور، چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«فقد انجلی لك ایها المسكين أن ما ارتسم فی لوح السالك المبتدی حروف أجمد لیستعد بذلك الانتقاش بمقاد قوله اقرأ باسم ربك الذی... و عند ذلك یسهل علیه معرفة القرآن و تعلم لفظه و معناه و منطوقه و فحواه و لقد یسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر»^{۱۱}.

ملاصدرا بر اساس حکمت متعالیه خویش، معتقد است که قرآن کریم دارای یک حقیقت ولی با مراتب مختلف تشکیکی است و در سیر نزولی از جایگاه‌های بسیاری برخوردار است و هر کسی با مرتبه‌ای از قرآن در ارتباط است و شناخت واقعی حروف مقطعه و کشف

ریشه‌های اختلاف مفسرین در حقیقت این حروف، بر دستیابی و ارتقای هرچه بیشتر و والاتر بشریت به مراتب عالی ارتباط و انس با قرآن کریم است.^{۱۲}

شرایط شناخت حقیقی حروف مقطعه در مشرب ملاصدرا

ملاصدرا «رضوان... علیه» معتقد است، شناخت حروف مقطعه قرآنی در آغاز سوره‌ها و سپس کلمات و جملات قرآن، از شرایط ویژه‌ای، برخوردار است:

۱. ایمان به حقیقت دنیا و آخرت: اولین شرط مهم در فهم قرآن، هجرت قلبی و روحی قاری آن از دنیا به سوی آخرت می‌باشد.

ملاصدرا در این باره، چنین می‌گوید: «والجملة القول أن من لم يظهر عليه سلطان الآخرة ولم يتم بعد عن قبر هذه النشأة لم يطلع على معاني الكلام و رموز آيات القرآن و حروفه و كلماته و لم يحدث معه حروف المقطعه»^{۱۳} وی تحقق چنین هجرتی را درک حقیقت حروف مقطعه دانسته است: فأول علامة من ارتفع من هذا المنزل أن ينكشف عليه معرفة الحروف المقطعة و كيفية نزولها في لوح الكتاب ثم في صدور منشرحة لاولي الاالياب»^{۱۴}

۲. ارتباط با اهل بیت علیهم السلام: در میان راههای مختلف شناخت قرآن، استوارترین و قریب‌ترین طریق، بهره‌گیری از اهل بیت علیهم السلام و مکتب انسان ساز ایشان است؛ زیرا آنان هستند که از معانی عمیق حروف مقطعه، آگاهی دارند و زمینه شناخت عمیق قرآن را برای آدمیان، فراهم نموده‌اند.^{۱۵} ملاصدرا با درک چنین حقیقتی، رمز آگاهی از رموز و عجایب نهفته در حروف مقطعه را دست‌یابی به یقین قلبی، معرفت الهی و تلمذ در مکتب پرفیض اهل بیت «علیهم السلام» و تعلیم و تعلم در مدرسه انسان‌سازی ایشان می‌داند.^{۱۶}

وی در بیان دیگری فرموده: «و هذا التذکر لما يتيسر الالمن دارس و تعلم من مکتب «أول ما خلق... نوری»^{۱۷}

۳. طهارت قاری: انسانی که می‌خواهد وارد فضای کلام الهی شود و از آیات قرآنی، بهره لازم و کافی ببرد؛ باید از طهارت والا و کافی باطنی و ظاهری برخوردار باشد تا انوار الهی قلب و روح پاک او را، مزین و متجلی نماید و مراتب هدایت خداوندی را

نصیب خویش گرداند. ملاصدرا در این مورد چنین می‌گوید: «وللقرآن فی کل مرتبة و مقام حمة یحفظونه و یکتبونه ولا یمسونه الا بشرط طهارتهم عن حدثهم أو عن حدوئهم.»^{۱۸} او همچنین معتقد است که مراتب شناخت حروف مقطعه مختلف است؛ زیرا میزان رشد عقلی و قلبی افراد مختلف است، از سوی دیگر حقایق قرآن نیز دارای مراتب گوناگونی است. پس هرکس به میزان خاصی از قرآن بهره می‌گیرد.^{۱۹} در بیان شعری نیز چنین می‌سراید:

تو ز قرآن بنگری افسان‌ها

قشر و که بینی نه مغز و دانه‌ها

هست بهر آدمی دهن و لبوب

تین و قشر از بهر حیوان نی حبوب^{۲۰}

تفسیر صدرایی از حروف مقطعه قرآنی

اگرچه در بین دانش پژوهان علوم قرآنی، افرادی اعتقاد دارند؛ حروف مقطعه دارای معنا نمی‌باشند و برخی دیگر این حروف را دارای معنا می‌دانند ولی علم آن را تنها نزد خدا و رسولش می‌دانند، ولی ملاصدرا با بهره‌گیری از آیات و روایات، نظرات آنها را رد می‌کند و می‌گوید:

«واعلم أن هذا القول و لیس بسدید لانه لما یجوز ان یرد فی کتاب... ما لا یكون مفهوماً للخلق اذ هو مما أنزلها... هداية الخلق و إرشادهم.»^{۲۱} وی با این سخن، معنا دار بودن حروف مقطعه را ثابت نموده و می‌گوید: حروف مقطعه از لحاظ برخوردار بودن از مفهوم و معنا، مانند آیات نازل شده دیگر هستند. وی بر اساس اصل اصالت وجود در حکمت متعالیه و وجود تشکیکی هستی که در جای خود آن را تبیین و اثبات نموده، اعتقاد دارد حروف مقطعه هریک به روش خاصی بر مراتب هستی دلالت می‌نماید و در توجیه نظر خود از روابط موجود در حروف ابجدی مانند ضرب یا جمع - به روشی ابزاری - استفاده می‌کند تا راهی مناسب در تطبیق یافتن این حروف بر مرتبه‌ای از عالم هستی به دست آید؛ اگرچه او در تفسیر خویش از روش استحسان استفاده می‌کند، ولی باید توجه داشت در این مورد حقیقی را

دریافت نمود که نمی‌توان از طریق نوشتار به دیگران انتقال داد^{۲۲} و چه زیبا، خود ملاصدرا در پایان نظر خویش می‌گوید: «ولما یکن أن یکون للحروف دلالة غیر هذا البتة، ثم هذا أصرار یحتاج الی المشافهة»^{۲۳}.

نظر نگارنده این است که مطالب بیان شده در خصوص نظر ملاصدرا درباره حروف مقطعه، تمام حقیقت دریافتی وی در تفسیر این حروف نیست بلکه بر ماست که راه آن حکیم متأله را ببینیم تا واردات قلبی او را به خوبی دریافت نماییم و لازمه قرار گرفتن در این راه و پیمودن سلوک عقلی و قلبی برای دریافت حقایق قرآنی، دست یابی به معرفت الهی و توجه و تدبر در آیات شریفه قرآن کریم است.

ملاصدرا «رضوان... علیه» در تفسیر حروف مقطعه بیان چند مسأله را لازم می‌داند:

۱. شباهت داشتن نفس رحمانی در صدور موجودات و نفس انسانی در صدور حروف.
 ۲. او مراتب هستی را اساس تطبیق حروف مقطعه در اوائل سوره با یکدیگر می‌داند.
- درباره مورد اول چنین می‌گوید: «فمن المضاهاة الواقعة بین النفس والرّب، ان النفس الانسانی الخارج من القلب المارّ علی منازل الحروف والكلمات التي هی اخص خواص الانسان من بین الكائنات هی بازاء النفس الرحمانی وانيساط الفيض الوجودی المارّ علی مراتب اعيان الممكنات الذی هومن خواص الالهية و آیات الرحمانية»^{۲۴}.
- در این شباهت موجود، از نفس انسانی، بیست و هشت حرف صادر می‌شود که بر حسب مراتب مخلوقات خداوند می‌باشد.
- « فهذه النفس والضروری من الانسان الخارج من باطنه وجوفه يتعين و بحسب مروره علی المخارج الصوتية والمنازل العرفية علی ثمان و عشرين صورة علی حسب مراتب الموجودات الصادرة عن الحق تعالی.»^{۲۵}

او در پایان به این نتیجه‌گیری از شباهت انسان با خداوند می‌رسد که هر حرفی دلالت بر موجودی دارد: « فکل حرف بازاء موجود من الموجودات الاصلية الابداعية الانشائية.»^{۲۶}

در خصوص مورد دوم، ملاصدرا به عنوان حکیم عالی قدر مکتب متعالیه و مفسری گران قدر، معتقد است: مراتب هستی به گونه‌ای در حکمت متعالیه تنظیم گردیده که در طول یکدیگر قرار می‌گیرد و هر مرتبه نازلی، ظهوری از مرتبه بالایی خود می‌باشد و نیز

امکان ندارد عالم جسمانی به طور دفعی موجود شده باشد، همان طوری که واحد، مبدع اعداد و کثرت می‌باشد، خداوند نیز مبدع عالم کثرات است. بنابراین، در این نظام الهی، موجود هرچه شریف‌تر و کامل‌تر باشد، حدتش ظاهرتر و به حق نزدیکتر است و برعکس، هر اندازه موجود، پست‌تر باشد، جهات کثرت در آن بیشتر هویدا و از حق دورتر است.^{۲۷} با توجه به این دو مسأله می‌توان گفت، ملاصدرا در توجیه دیدگاه تفسیری خود پیرامون دلالت حروف مقطعه بر حقایق هستی و مراتب آن، از نظام و قواعد حاکم بر حروف ابجدی متداول و مشهور کمک می‌گیرد تا بتواند بهتر دیدگاه خود را برای دیگران توضیح داده و تفهیم نماید. بر این اساس، وی هریک از حروف مقطعه را بر این نظام تطبیق می‌دهد. مثلاً در مورد حرف مقطعه «الم» می‌گوید: «ان المدلول علیه «الم» هوالقسم بالاول ذی الامر والخلق و «بالم» القسم بالاول ذی الامر والخلق وهو الاول والآخر والامر والخلق و المبدأ الفاعلی والمبدأ الغائی جمعاً... و «حم» قسم بالعالم الطبيعي الواقع فی الخلق و «طس» بین بعالم الهیولی الواقع فی الخلق والتکوین...»^{۲۸}

در اینجا، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تطبیق اوصاف حروف بر حقایق از عالم هستی در روایات شیعه وارد شده و شاید بتوان زمینه این روش ملاصدرا در تفسیر حروف مقطعه قرآنی را در روایات شاهد باشیم.^{۲۹} حتی ملاصدرا، روایت ثعلبی را که به امام علی بن موسی الرضا(ع) اسناد می‌دهد، چنین نقل می‌کند که از امام جعفر صادق علیه السلام درباره «الم» سوال شد، سپس امام علیه السلام در پاسخ اسحاق فرمودند: در «الف» شش صفت از صفات الهی وجود دارد، و سپس آنها را بیان می‌کند.^{۳۰}

نتیجه

در پایان مقاله چنین می‌توان نتیجه گرفت:

۱. حروف مقطعه به عنوان آیات نازل شده از سوی خدای حکیم دارای معنا و مفهوم می‌باشد ولی نه به سبک متداول کلامی.
۲. برای انسان با شرایط ویژه خود و ایمان و طهارت، امکان فهم معانی این حروف وجود دارد.

۳. دیدگاه ملاصدرا «رضوان... علیه» در فضای حاکم بر حکمت متعالیه نوعی ظرافت و لطافت خاصی را دارد که بر دانش پژوهان علوم قرآنی تازه و شیرین است و نظر او هماهنگ با نظر بوعلی سینا است.
۴. به طور خلاصه، نظر ملاصدرا در تفسیر حروف مقطعه قرآنی عبارت است از: تطبیق یافتن این حروف بر مرتبه‌ای از مراتب عالم هستی با استفاده از روش و نظام حروف ابجدی.

پی نوشت‌ها:

۱. ر.ک: صدرالمتألهین شیرازی، محمدبن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجه‌جوی، قم، انتشارات پیدار، سال ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۰۹.
۲. همان، ص ۲۱۰.
۳. همان، ج ۶، ص ۱۴.
۴. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۰۰؛ همچنین طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲.
۶. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۴.
۷. همان، ج ۱، ص ۲۰۱.
۸. ملاصدرا؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم، المطبعة العلمیة، ج ۷، ص ۴۱-۴۰.
۹. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۹.
۱۰. ملاصدرا؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة و ج ۷، ص ۴۲.
۱۱. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۹.
۱۲. ملاصدرا؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۷، ص ۳۱-۳۰؛ همچنین ر.ک: فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۳۶، ص ۵۹-۶۱.
۱۳. ملاصدرا؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۷، ص ۴۳.
۱۴. همان، ص ۴۲.
۱۵. ر.ک: فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۳۶، ص ۶۲-۶۰.
۱۶. همان، ص ۶۱؛ هم چنین ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ص ۴۱-۴۰.
۱۷. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۹.

۱۸. ملاصدرا؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۷، ص ۳۹.
۱۹. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۵.
۲۰. همان، ج ۶، ص ۱۰.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.
۲۲. رک: فضاومه خردنامه صدرا، شماره ۳۶، ص ۶۲.
۲۳. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۲۱.
۲۴. همان، ص ۱۸۸.
۲۵. همان، ص ۱۸۸-۱۸۷.
۲۶. همان، ص ۱۸۸.
۲۷. همان، ص ۲۱۶؛ همچنین فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۳۶، ص ۶۳.
۲۸. ملاصدرا؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۲۱.
۲۹. جهت مطالعه تفصیلی این نکته رک: همان، ص ۱۹۸-۱۹۶.
۳۰. همان، ص ۱۹۷.

